گزارش

روزگار جدید دن‌فابیو

سجاد فیروزی

«فابیو کاپلو» سرمربی ایتالیایی تیم ملی انگلستان برای بازی دوستانه این تیم برابر مجارستان که قرار است چهارشنبه همین هفته برگزار شود ۲۳ بازیکن را به اردوی تیم ملی دعوت کرد. کاپلو که پس از ناکامی در جام جهانی حسابی مورد انتقاد مطبوعات و کارشناسان انگلیسی قرار گرفته بود با روی آوردن به انقلابی آرام تنها ۱۰ نفر از بازیکنان حاضر در جام جهانی را به تیم ملی فرا خواند تا همان‌طور که قبلاً گفته بود آینده‌نگری‌اش را خیلی زود شروع کند. دن‌فابیو که از فضاحت بارآمده در جام جهانی آگاهی کافی دارد روز گذشته در نشستی خبری از هواداران تیم ملی عذرخواهی کرد: «از تماشاگرانی که پول و وقت خود را صرف آمدن به آفریقای جنوبی کردند تا تیم ملی را تشویق کنند عذرخواهی می‌کنم. می‌دانم که این تماشاگران به تیم ملی خیلی اعتماد و به موفقیت آن یقین داشتند. اما متاسفانه نتایج به‌دست‌آمده هرگز پاسخگوی انتظارات آنها نبود. راستش را بخواهید خود من هم به تیم ملی اعتقاد زیادی داشتم و هدفم این بود که به فینال جام جهانی صعود کنیم؛ موضوعی که هرگز محقق نشد. من حتی پس از حذف از جام جهانی با «سر دیو ریچاردز» هم حرف زدم و به او گفتم شما هر تصمیمی بگیرید من می‌پذیرم ولی از یاد نبرید که من اهل مبارزه‌ام و دوست دارم به کارم ادامه دهم و در آینده به همراه این تیم موفق شوم.» کاپلو خیزش برای موفقیت را از همین حالا برداشته است. او اصلاحات را از درون دروازه، جایی که مشکلات زیادی داشت شروع کرد و از نام دیوید جیمز و رابرت گرین گذشت تا به جای آنها از جو هارت و پل رابینسون استفاده کند. اما در همین خط مشکل اولش شروع شد و آن اینکه رابینسون ۳۰ساله که سابقه ۴۱ بازی ملی در کارنامه دارد دعوت کاپلو را رد کرده است. او در گفت‌وگویی کوتاه دلیل این موضوع را این طور بیان کرده است: «نمی‌توانم بپذیرم که دروازه‌بان سوم یا چهارم تیم ملی باشم. این امر برای من خیلی ناامیدکننده است.» البته در خط دفاعی هم پس از مدت‌ها بحث و جدل راجع به اینکه جان‌تری به علت انتقادهایش از کاپلو دیگر به تیم ملی دعوت نخواهد شد تغییرات جزیی صورت گرفت. اگرچه جان‌تری دوباره به تیم ملی دعوت شد اما حضور سه، چهار مدافع جدید در لیست جدید چشمگیر است. در خط میانی دعوت از جک ویلشر جوان قابل توجه است. ویلشر که به تازگی وارد ۱۸سالگی شده است با نمایش خوب در ترکیب تیم آرسنال در بازی‌های دوستانه این تیم نظر کاپلو را به خود جلب کرده و به تیم ملی دعوت شده است. نکته قابل عرض اینکه اگر ویلشر روز چهارشنبه برای تیم ملی به میدان برود نامش در میان ۱۰ بازیکن جوان تاریخ تیم فوتبال انگلیس ثبت خواهد شد. البته تغییرات در خط حمله تیم ملی انگلیس هم قابل توجه است. کاپلو از نام‌های جرمین دفو و پیتر کراوچ گذشته است و دارن بنت و بابی زامورا را به جای آنها دعوت کرده است. به هر حال باید منتظر ماند و دید آیا انقلاب نرم «دن‌فابیو» در ترکیب تیم ملی جواب خواهد داد یا نه.

اسامی دعوت‌شدگان

دروازه‌بان‌ها: بن‌فاستر، جو هارت و پل رابینسون

مدافعان: وز براون، گری کاهیل، اشلی کول، مایکل داوسون، کائرن گیبس، فیل جاگیلکا، گلن جانسون و جان تری

هافبک‌ها: گرت بری، استیون جرارد، آدام جانسون، فرانک لمپارد، جیمز میلنر، اشلی یانگ، تئو وولکات و جک ویلشر

مهاجمان: دارن بنت، کارلتون کول، وین رونی و بابی زامورا.

حاشیه‌هایی از یک کنفرانس خبری سرد و بی‌روح

قطبی: جواب من خیر است

علی عالی

خبرنگار سینه‌اش را صاف کرد، نفسی عمیق کشید و دکمه on میکروفن را به سمت پایین هل داد و با گلوی صاف‌کرده پرسید: «بالاخره نفهمیدم ماجرای علی کریمی چه شد؟ شما باید شفاف‌سازی کنید.» قطبی صاف تو چشم خبرنگار نگاه کرد و گفت: «کریمی مصدوم اردو را ترک کرد. من به‌شخصه به فوتبال کریمی علاقه‌مند هستم و خودم درخواست کردم که او برگردد. او هر وقت آماده باشد، دعوت خواهد شد و هر بازیکن باید در بهترین شرایط باشد.» افشین قطبی تاکتیک جدیدی را پیدا کرده است. او هر سوال را آن طور که می‌خواهد پاسخ می‌دهد و اصلاً هم ربطی به سوال پرسیده‌شده ندارد.

دیدگاه ایرانی‌ها به فرهنگ‌شان رفته است، یا سیاه می‌بینند یا سفید و در این میان اصلاً رنگ خاکستری وجود ندارد. قطبی به بخش عمده‌ای از دیدگاه تاریک ما ایرانی‌ها تبدیل شده است. هر حرفش روی اعصاب است، هر کلمه‌اش مثل پتکی می‌ماند که گویی اعتقادات را به تمسخر می‌گیرد و این نقطه ناامیدکننده‌ای برای هر فردی خواهد بود. خبرنگاران حال سوال پرسیدن از سرمربی را نداشتند. کمتر پیش آمده که برای پرسیدن، مجری التماس کند. چند وقتی است که تیم ملی و افشین قطبی جذاب نیست. انگار هیچ جذبه‌ای ندارد تا به سمتش کشیده شوی. داوود عابدی خبرنگار شبکه خبر حرف جالبی می‌زد: «کم‌اهمیت‌ترین مصاحبه بلاژویچ هم جایی برای سوزن انداختن نبود. خودم دلم تنگ شده...» آقای قطبی چه خبر؟!

– شما آقای حاج‌رضایی را قبول دارید؟

بله، من قبول دارم. من به حرف همه احترام می‌گذارم.

– ایشان گفتند شما صداقت ندارید، مربی خوبی نیستید و در خروجی هم بلد نیستید که کجاست. شما که بزرگ‌تر از مارادونا نیستی.

من به نظر ایشان احترام می‌گذارم. مسوولان فدراسیون تصمیم می‌گیرند که چه کسی سرمربی تیم ملی باشد.

– ایشان اعتقاد داشت فدراسیون هم صداقت و جرات ندارد.

من به حرف ۷۰ میلیون ایرانی گوش می‌دهم و بیشتر مردم دوست دارند افشین قطبی سرمربی تیم ملی باشد.

این کلمات بخشی از اتفاقات کنفرانس دیروز بود.

خبرنگار بلد نبود منظورش را برساند. انگار حتی در ذهنش هم تمرین نکرده بود. می‌خواست با سوالش افشین را ناک‌اوت کند و سرمربی تیم ملی را گوشه رینگ گیر بیندازد: «شما می‌گویید چرا همه از من مدرک می‌خواهند، در حالی که شما این شرایط را به وجود آوردید.» قطبی مکث نکرد، فقط گفت: «جواب من خیر است.» چند دقیقه‌ای سالن در سکوت فرو رفته بود.

خیلی‌ها دوست دارند بدانند چه شد که شهاب گردان به تیم ملی دعوت نشد. منصور رشیدی کمک‌مربی دروازه‌بان‌های تیم ملی موضوع را لو می‌دهد: «در یکی از بازی‌ها به او گفتیم همراه با بقیه دروازه‌بان‌ها گرم کند. گفت لخت نمی‌شوم و تمرین هم نکرد. بعد از آن هم حرکت‌هایی اتفاق افتاد. بعد از آن هم مصاحبه کرد و آن حرف‌ها را زد. البته قطبی می‌گفت هیچ‌گاه نگفته «گردان دروازه‌بان یک‌روزه است.» مشخص نیست چرا در این تیم ملی احترامی وجود ندارد، انگار همه می‌خواهند آبروی همدیگر را ببرند.

او همان خبرنگاری بود که اولین بار ماجرای «اردوی تیم ملی کولر ندارد» را افشا کرده بود. قطبی چپ‌چپ نگاه می‌کرد. اصلاً دوست نداشت و سوالش را بپرسد اما خبرنگار باز هم گیر داد. «هر کسی سرمربی تیم ملی می‌شود اعتقاد دارد تیم ملی در بهترین شرایط است، اما به محض اینکه اخراج می‌شود مصاحبه می‌کند که امکانات کم است. روز آخر شما چه حرفی می‌زنید؟» قطبی پاسخ داد: «مسوولیت تیم ملی با من است. می‌دانم که ابزار و فضا بسیار کم است، اما باید موفق بود. چون باور دارم که عشق به فوتبال و استعدادها می‌تواند اتفاقات بزرگی را رقم بزند. شاید بهترین امکانات را نداشته باشیم، عراق سال ۲۰۰۷ چه داشت؟ آنها فقط همدل بودند و قهرمان شدند.» اما این همه پاسخ نبود. قطبی با خبرنگار آن روزنامه ورزشی چشم در چشم شد و گفت: «روز آخر هیچ‌کس به حرف من گوش نمی‌دهد، روز آخر تنها چیزی که می‌خواهید نتیجه است. مهم نیست ما با فرست‌کلاس نمی‌رویم اما مردم فقط نتیجه می‌خواهند. وظیفه من است که خوشبین باشم.»

بیشتر از تعداد انگشتان دست سوال پرسیده نشد. هیچ شوق و ذوقی برای پرسیدن وجود نداشت. همه می‌خواستند زودتر برگردند. البته چنین شرایطی را در کنفرانس‌های دیگر هم تجربه کرده‌ایم. ماه‌هاست که فوتبال دیگر جذابیتی برای خبرنگاران ندارد و اکثراً دوست دارند در رسانه‌شان بنشینند و مطلب بنویسند. تیم ملی هیچ هیجان و جذبه‌ای برای رسانه‌ها و مردم ندارد. ورزشگاه‌ها خالی است و برنامه‌ها هم طوری شده که هواداران کمتر به ورزشگاه بیایند، تیم‌ها محروم می‌شوند و باشگاه‌ها با تیم ملی سرشاخ شده‌اند. همه چیز به هم ریخته است... عجب فوتبالی داریم ما!

فیروز کریمی: پولی که از بازیکنان برداشته می‌شد به بیماران داده می‌شد

جنگ لفظی امیر عابدینی و فیروز کریمی وارد مرحله تازه‌ای می‌شود. چند روز پیش امیر عابدینی مدیر عامل داماش گیلان سرمربی سابق تیمش را متهم به تبانی در یکی از بازی‌های تیمش کرد. فیروز کریمی هم در مصاحبه‌ای که برای ایسنا فرستاده علیه عابدینی حرف‌های جدیدی زده است. کریمی ابتدا در مورد ناکامی داماش توضیح داد: «بحث من محدود به تیم فوتبال داماش گیلان نمی‌شود. با یک نگاه به تیم‌های والیبال، بسکتبال و سایر تیم‌های فوتبال این مجموعه در رده‌های سنی مختلف می‌توان به سادگی فهمید غیر از تیم‌های فوتبال بزرگسالان داماش گیلان آن هم تا مرحله پلی‌آف، توفیقی نصیب برادران خسروی به عنوان مالکان این تشکیلات نشده است.» کریمی مدیریت عابدینی را عامل اصلی ناکامی تیم‌های داماش معرفی کرده است. او در مورد واریز کردن پول به حسابش پیش از بازی با شیرین‌فراز جواب مبهمی داد و گفت: «من یک مثال برای شما می‌زنم؛ اگر روزی ماموران جان‌برکف نیروی انتظامی یک کاروان مواد مخدر را ضبط کنند و این امر مصادف شود با خارج شدن مبلغی از حساب عابدینی، آیا می‌توان این دو موضوع را به هم مرتبط دانست؟ آیا می‌توان مشکلی را که وی از بابت دندان‌درد داشته و دارند را به قضیه فوق ربط داد؟ مگر اینها با هم ارتباطی دارند؟» عابدینی عنوان کرده بود پیش از بازی شیرین‌فراز – داماش مبلغی به حساب کریمی واریز شده بود. کریمی در مورد پولی که از روی پاداش بازیکنان برداشته می‌شد هم توضیح داد: «در این مورد «علی قاسمیان» کاپیتان بومی داماش گیلان بهتر از من می‌تواند توضیح دهد. قضیه از این قرار بود که بنا به درخواست بازیکنان دو الی سه درصد از تمام پاداش‌ها کسر و تحویل علی قاسمیان و بهزاد داداش‌زاده که خود در این زمینه بیشترین کمک را می‌کرد، می‌شد تا به بیماران بی‌بضاعت داده شود. البته این قانون در مورد خود من هم اجرا می‌شد.» یکی دیگر از اتهاماتی که عابدینی به فیروز کریمی زده بود اتخاذ تصمیم برای تیم در یک آرایشگاه است. سرمربی سابق داماش در این باره می‌گوید: «اگر هم صحبتی در مورد مصالح تیم با طرفداران و افراد صالح صورت گرفته، همان صحبت‌ها تیم را به مرحله پلی‌آف رساند اما تصمیم‌گیری در دهکده ساحلی نتایج مرحله پلی‌آف را رقم زد. من برای نظر طرفداران تیم در کوچه و بازار هم احترام قائل بودم اما نظر عابدینی و دوستانش ارزشی برایم نداشت، ناراحتی او از همین موضوع است که هنگام تصمیم‌گیری‌های فنی به عابدینی اجازه ورود به اتاق مربیان را نمی‌دادم. امروز شما متوجه می‌شوید که من حق داشتم و اگر غیر از این بود، نتایج مرحله پلی‌آف در بازی‌های گروهی هم تکرار می‌شد.»

بعد از اتهامات عابدینی این بار نوبت فیروز کریمی است تا اتهاماتی را به طور غیرمستقیم به مدیرعامل داماش وارد کند: «اولاً اینکه من همواره به مافوق خود احترام گذاشته و مدیران خود را دوست داشته و دارم. اما در مورد عابدینی همان‌طور که گفتم آخرین بار او را ۱۵ سال قبل که رئیس فدراسیون فوتبال بود، دیدم و من مربی تیم ملی بودم. در واقع با تصورات همان روزها با داماش گیلان قرارداد بستم اما وی عوض شده بود. همان مشکل دندان‌دردهای شدید و پلک روی پلک گذاشتن‌هایی که بیش از ۱۰ ثانیه طول می‌کشید، نشان می‌داد عابدینی با گذشته فرق کرده است. من ابتدا فکر می‌کردم این پلک زدن‌های طولانی‌مدت نوعی بی‌توجهی به من هنگام مواجهه با اوست اما بعدها فهمیدم مشکل چیز دیگری است.» کریمی در ادامه مصاحبه‌اش به موضوع عجیبی در شهر رشت اشاره کرده است: «مشکلاتی که در دهکده ساحلی برای برخی جوانان معصوم و بی‌تجربه رشت به وسیله گروه «پلیکان» به وجود آمد و من نمی‌خواهم خیلی در مورد آن صحبت کنم، به هیچ‌وجه قابل جبران نیست. هر کس مسبب چنین فجایعی شود، قطع به یقین سر عزیزانش هم مشکلات مشابهی اتفاق خواهد افتاد.» او در مورد گروه پلیکان تنها توضیح کوچکی داده است و آنها را گروهی معرفی کرده است که به دلایل خاص دائم پلک روی پلک می‌گذاشتند و زمان هوشیاری آنان کمتر از زمان استراحت‌شان بود. کریمی در پایان عنوان کرد فصل آینده هدایت تیم گسترش فولاد در لیگ دسته اول را برعهده خواهد داشت.

گزارش

جنجال و درگیری
در مسابقات قهرمانی جوانان کشور

بازداشت مربی بوکس روی رینگ

درگیری روی رینگ بوکس اما این بار از نوعی نادر. مثل اینکه جنجال‌ها و زد و خوردهای مربیان و بوکسورها در مسابقات تمامی ندارد و انگار قرار نیست مسوولان فدراسیون بوکس فکری برای حل این مشکل بکنند. بعد از حواشی پیاپی مسابقات لیگ، این بار نوبت به رقابت‌های بوکس قهرمانی جوانان کشور رسید. اگرچه طی این سال‌ها درگیری و جنجال برای اهالی این رشته امری طبیعی بوده، اما این بار درگیری به حدی بود که غلامرضا کریمی مربی تیم توابع تهران بازداشت و راهی کلانتری شد.

کریمی در این باره می‌گوید: «داوری این رقابت‌ها از همان روز اول ناعادلانه بود. این موضوع به حدی محرز بود که همه تیم‌ها به حق‌خوری داورها پی برده بودند. ما می‌خواستیم با این مساله کنار بیاییم اما در روز آخر بازی‌ها در مرحله نیمه‌نهایی وقتی بوکسور ما از حریفش جلو بود داوران با دادن دو اخطار بیهوده آن هم بدون تذکر قبلی کار را به جایی رساندند که من از فرط ناراحتی روی رینگ رفتم و به آنها اعتراض کردم.»

مربی تیم بوکس توابع تهران با تاکید بر اینکه هیات ژوری و داوران رفتار دور از ادبی با او داشتند، ادامه داد: مسوولان حاضر در این مسابقات مثل یک تروریست یا قاچاقچی به من دستبند زدند و مرا از سالن بیرون بردند، آن هم جلوی چشم تمام تماشاگران و شاگردانم. چندی پیش در المپیاد ایرانیان در سیستان، مسوولان تیم کرمانشاه سرپرست تیم ملی نوجوانان را کتک زدند اما آن زمان هیچ‌کس را دستگیر یا محروم نکردند، چرا الان باید با من که یک قهرمان ملی بوده‌ام این‌گونه رفتار شود، جرمم تنها اعتراض به ناداوری بود.

او با اشاره به اینکه داوران بوکس فقط برای تفریح به مسابقات می‌آیند، ادامه داد: داوران ما آنقدر سن‌شان بالا رفته که فقط برای تفریح و سرگرمی روی رینگ می‌روند. بالاخره یک نفر باید این جسارت را می‌داشت که این حق‌خوری‌ها را مطرح کند. من با وجود اینکه می‌دانستم محروم می‌شوم اما این کار را کردم تا بوکس ایران بیشتر از این به نابودی کشانده نشود. اما همایون اردلان دبیر فدراسیون بوکس در این رابطه می‌گوید: دستگیری و بازداشت این مربی بجا و درست بود. او روی رینگ فحاشی کرد. پس باید تنبیه می‌شد. البته او باید بیشتر از اینها تنبیه می‌شد، چراکه باید نظم و انضباط را از یک جا شروع کنیم. کریمی تا نیمه‌شب در کلانتری بازداشت بود. در نهایت با عذرخواهی و گریه و زاری آزادش کردیم. این مربی می‌خواست با گردن‌کلفتی و بی‌ادبی کار خود را پیش ببرد که ما نگذاشتیم. ما باید به جوانان خود درس ادب و متانت و اخلاق بدهیم. بالاخره باید یک جور با این افراد خاطی برخورد شود.

سواحل مدیترانه.کوش آداسی.بدروم
سواحل خلیج فارس
تایلند.مالزی.بلغارستان.استانبول
کیش.مشهد
ساعی سیر میرداماد ۲۶۴۰۰۳۲۰

تورهای اروپایی آرتیمان
فرانسه.ایتالیا.اسپانیا.آلمان.انگلستان.اکراین
تایلند.مالزی.سنگاپور.سواحل خلیج فارس.ترکیه
کیش.مشهد
آرتیمان ۲۲۹۲۲۵۳۳ ۷۱-۲۶۴۰۰۳۶۹

سواحل مدیترانه
(پرواز هفتگی ترک)
مالزی سنگاپور
(برای اولین بار پرواز هفتگی ایر آسیا)
بلغارستان (سواحل ماسه های طلایی) مسکو ـ سنت پترزبورگ
سواحل خلیج فارس
تایلند، چین(پکن - شانگهای)، ارمنستان
www.Parsavosh.com
پرساووش
۱۴و۱۲-۸۸۹۷۴۵۱۱و۳-۸۸۹۷۴۱۴۱

راه سبز
IATA
شهرت اتفاقی نیست (با بیش از ۳۰ سال تجربه)
دارای بهترین لوح تقدیر از هواپیمایی لوفت هانزا در سال ۲۰۰۹
یکی از ده آژانس برتر ایران طبق آمار هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران
بلیط رفت و برگشت به کلیه شهرهای آمریکا و کانادا به تومان
تورنتو ۱/۳۰۰/۰۰۰ لس آنجلس ۱/۴۵۰/۰۰۰
ونکوور ۱/۵۹۰/۰۰۰ سانفرانسیسکو ۱/۴۵۰/۰۰۰
واشنگتن ۱/۳۴۰/۰۰۰
یکطرفه لس آنجلس ۸۲۵/۰۰۰
تور سواحل ترکیه پرواز هفتگی
سواحل خلیج فارس مسکو، سنت پترزبورگ
تایلند، مالزی، سنگاپور
راه سبز ۴-۸۸۱۰۱۰۷۳-۸۸۱۰۱۰۶۵

ثبت نام سفرهای دریایی تابستانی
بوتیمار BOUTIMAR TRAVEL CO. LTD.
کروز پنج ستاره اروپایی مدیترانه ۱۲ روزه (۱۷و۲۷ شهریور+مهر و آبان)
ایتالیا، موناکو، اسپانیا و تونس
یونان، کرواسی، ترکیه
جهت کسب اطلاعات بیشتر
www.boutimar.travel
شرکت مسافرتی بوتیمار ۲۲۸۱۳۳۳۰